

بسم الله الرحمن الرحيم

ماموریت آخر الزمانی حضرت معصومه س

اهل قیام بودن؛ مهم ترین ویژگی حضرت معصومه س

موضوع: تناسب حضور حضرت معصومه س قم با نقش آخر الزمانی شهر قم

خلاصه:

مسئله اصلی سخنرانی این است که چه رابطه ای بین حضور حضرت معصومه س در قم و نقش محوری قم در قیام امام زمان وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش ابتدا به نقش محوری قم در قیام امام زمان اشاره می شود که امام صادق سه خصلت را وجه تسمیه قم بیان کردند ۱. اهل قیام بودن. ۲. اهل مقاومت بودن ۳. اهل نصرت امام. در ادامه به توضیح اولین صفت برجسته اهل قم، یعنی اهل قیام بودن توضیح داده می شود. و ویژگی کسانی که اهل قیام هستند. سپس به نقطه مقابله اهل قیام بودن، یعنی اهل قعود بودن و صفت برجسته اهل قعود بودن یعنی عدم مبارزه با دشمن شرح داده می شود. بعد از این تبیین اهل قیام و قعود و اینکه اهل قیام بودن صفت برجسته اهل قم هست، به این پرسش پاسخ داده می شود که چرا حضرت معصومه س در طراحی خدا برای مردم آخر الزمان انتخاب می شود؟ مهم ترین وصف حضرت معصومه اهل قیام برای نصرت امام بودن ایشان هست. مثل حضرت زهرا س که او هم اهل قیام برای نصرت امام بود. این انگیزه سیاسی نصرت امام در زمانی که امام رضاع غریب بود و هرچند قیام های هم رخ می داد اما خالی از این معنا بود موجب شد که خدا شخصیت محوری و الگوی اهل قم که اهل قیام هستند را بانوی قرار دهد که خودش اهل قیام برای نصرت امام بود.

جایگاه شهر قم در قیام آخر الزمان

- ما برای اینکه درک کنیم کمی، بلکه نمی از دریای وجود حضرت معصومه (س)، اول باید نگاه کنیم به طراحی خدا در نقش دهی محوری به شهر قم در آخرالزمان؛ شما اساسا نمی توانی درکی درست و دقیقی از حضور حضرت معصومه (س) در قم پیدا کنی بدون نگاه به اینکه خدا چگونه شهر قم را محور و کانونی برای قرار داده است.
- آنچه که از انبوه اخباری که از جنس آخرالزمانی و آینده انگاری به ما رسیده است به این نتیجه می رسیم که در طراحی خدا، برای شهر قم و اهل قم، کلیدی ترین ماموریت های آخرالزمانی سپرده شده است.
- اصلا اساس نامگذاری شهر قم، در اوج تناسب با موضوع مهدویت و قیام برای آن امام قیام کننده در بیان ائمه معرفی شده است. راوی می گوید امام صادق ع از من پرسید آیا می دانی چرا به شهر قم، قم گفته می شود؟ گفتم خدا و پیغمبر و شما بهتر می دانید. حضرت فرمود به این جهت قم نامیده شده که اهل این شهر دور قیام کننده آل محمد اجتماع می کنند بعد فرمود اینها سه ویژگی دارند. ۱. با حضرت قیام می کنند. ۲. با حضرت استقامت می کنند ۳. به حضرت نصرت می دهند. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي أ تَدْرِي لِمَ سَمِيَ قَمَّ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ قَالَ إِنَّمَا سَمِيَ قَمَّ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ.» (بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶).
- آنهایی که قیامت می کنند.
- آنهایی که استقامت می کنند.
- آنهایی که آخرین امام را نصرت می دهند.
- آنها اهل قم هستند.

- البته اهل بیت، اهل قم را فقط ساکنین شهر قم معرفی نکردند. ای چه بسا از شهر ری به محضر حضرت می رسیدند و می گفتند آقا ما اهل ری هستیم حضرت می فرمود خوش آمدید اهل قم. یعنی جغرافیای فرهنگی شهر قم، منحصر در قم نیست بلکه کل ایران را شامل می شود. اما قطعا نقطه کانونی این اجتماع، شهر قم هست.

قم شهر قیام، مسئولیت های بزرگ بر دوش اهل قم!

- رفقا، ما قمی ها خیلی ماموریت های بزرگی را خدا بر دوش ما گذاشته. اگر قم ساکن باشیم و غافل از ماموریت های بزرگ، اهل قم نخواهیم بود.
- اصلا زندگی در قم با شهرهای دیگر متفاوت است. قم اصلا شهری برای زندگی کردن نیست. یک زندگی بدون دغدغه های مهدوی. بدون احساس مسئولیت نسبت به ولی و امام. شما می خواهید بی دغدغه زندگی کنی برو یک شهر دیگر زندگی کن. اما اگر قمی هستی؛ قمی هست اهل قیام. قمی اهل تنبلی نیست. اهل کسالت خمودگی بی حالی بی عاری نیست. درس خواندن در قم، خیلی باید با جاهای دیگر فرق کند. کار کردن در قم با خیلی جاهای دیگر فرق می کند. کار کردن، درس خواندن باید نسبتش با آن قیام آخرالزمانی مشخص شود. اهل قیام چگونه درس می خوانند؟
- چمران، استادی داشت که آن استاد عادت نداشت به شاگردانش بیشتر از نمره ۱۸ بدهد. اما وقتی در پایان ترم نمرات را ثبت کردند دیدند در مقابل نام چمران نمره ۲۲ ثبت شده است. گفتند شاید اشتباه شده چون ما نمره ۲۲ نداریم از استاد پرس و جو کردند. او گفته بود می خواهیم در تاریخ این دانشگاه ثبت شود.^۱ حالا این چمران

^۱ مهندس بازرگان استاد درس ترمودینامیک وی در دوره ی لیسانس بود که از نظر علامت در نمره دادن بسیاری سختگیر بود و کسی در درس ترمودینامیک، نمره ی بیشتراز ۱۵ تا آن زمان نتوانسته بود از او

چطور درس می خواند؟ چمران برای آن درس می خواند؛ و می گفت درس می خوانم به این دلیل که نمی خواهم یک مسلمان از نظر علمی زیر دست یک کافر باشد.^۲

• بی خود نبود امام می فرمود بگوید چمران بیاید دلم برای چمران تنگ شده است یا می فرمود: «مثل چمران بمیرید.» (اول تیر ۱۳۶۰). چمران می شود اهل قم؛ چرا؟ چون اهل قیام هست. در درس خواندن منفعلانه درس نمی خواند.

• اهل قیام بودن اولین صفت برجسته اهل قم هست. که امام صادق ع فرمود آنها اهل قیام هستند. قیام علیه ظلم؛ قیام علیه بی عدالتی؟! فرمود: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (النساء، ۱۳۵). نمی فرمودید مومنین شما عدالت و قسط را رعایت کنید. نه بالاتر می فرماید. می فرماید اقامه قسط کنید. یعنی نگذارید ظلمی رخ دهد. اقامه قسط با اینکه خودم قسط و عدل را رعایت کنم زمین تا آسمان فرق می کند.

• در هدف انبیاء هم چنین تعبیه شده که مردم قیام به قسط کنند. انبیاء نیامدند خودشان اقامه قسط کنند. نه شما باید اقامه قسط کنید. جمع شما؛ جامعه شما. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)

بگیرد و به شاگردانش گفته بود هر کس در امتحان این درس من، نمره ی بالاتر از ۱۵ بگیرد من به وی ۲۰ خواهم داد! اما چمران در بر گه ی امتحان ۲۰ گرفت و استاد بازرگان گفت من نمره ی ۲۲ به او می دهم تا در تاریخ این دانشگاه ثبت شود!! استاد بازرگان به همه می گوید: برای چنین دانشجویی نمره من همین است.^۲ شهید چمران: ای خدا، من باید از نظر علم از همه برتر باشم تا مبدا که دشمنان مرا از این راه طعنه زنند. باید به آن سنگ دلانی که علم را بهانه کرده و به دی گران فخر می فروشند ثابت کنم که خاک پای من هم نخواهند شد. باید همه آن تیره دلان مغرور و متکبر را به زانو درآورم، آن گاه خود خاضع ترین و افتاده ترین فرد روی زمین باشم.» (۱ سپتامبر ۱۹۶۱؛ خدایا به سوی تو می آییم (نگاهی به یادداشت های شهید چمران در امریکا)

- من و شما اگر بخوایم اهل قم باشیم، اهل قمی که امام صادق فرمود: «سلام خدا بر اهل قم^۳» ماموریت های بزرگی بردوش مان هست. اولین ماموریت، اولین صفت برجسته، اهل قیام بودن هست. قیام برای نجات عالم! نجات مظلومان عالم. الان در آمریکا مردم علیه ظلم قیام کردند. ما که اهل قم هستیم یعنی ایرانی ها؛ چقدر احساس مسئولیت کردیم هم صدا بشویم با این مظلومان آیا ما هم قیام کردیم علیه ظلم و دفاع کردیم از مظلوم؟ اگر چنین حسی نداشتیم. پس معلوم نیست واقعا اهل قم باشیم. چون امام صادق ع فرمود قمی یعنی اهل قیام.

امام اهل قم بود

- امام ره به معنای واقعی کلمه اهل قم بودند. همان طور که موسی بن جعفر ع فرمود مردی از قم قیام خواهد کرد.^۴ وقتی امام ره سال ۴۲ قیامش را شروع کرد. آیه را که تک موعظه خداست انتخاب کرد. اگر قرآن کتاب موعظه هست. همه مواعظش در یک آیه جمع شده آن آیه چیست؟ قیام برای خدا. «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى» (سبأ : ۴۶).
- نقطه مقابل قیام و ایستادن، قعود هست. با ادبیات قرآن آشنا بیشتر بشویم. قاعدین چه کسانی هستند؟ قاعدین همان ها هستند که کمر انبیاء شکستند. موسی که پیامبر انقلابی بود چقدر اذیت کشید از دست قومش. بعد از نجات دادن از دست فرعون وقتی که حضرت موسی به قومش فرمود علیه ظلم قیام کنید می دانید چه گفتند؟ برو خودت و خدایت بچنگند و ما اینجا نشستیم «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنُ نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَفَاتِنَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» گفتند: ای

^۳ «سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قَمٍ يَسْقِي اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ وَيَنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتَ وَيَبْدِلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَسُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ هُمُ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمُ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَ الرَّوَايَةِ وَ حَسَنِ الْعِبَادَةِ.» (بخار

الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷)

^۴ «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ» (بخار، ج ۵۷، ص ۲۱۶)

موسی! تا آنان در آنجا نروید، ما هرگز وارد آنجا نخواهیم شد، پس تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید که ما [تا پایان کار] در همین جا نشستیم.» (مائده: ۲۴)

مهم ترین ویژگی اهل قعود در قرآن

- اهل قعود اولین ویژگی و مهم ترین ویژگی شان این است که اهل مبارزه با دشمن نیستند. من می خواهم شخصیتی را به شما معرفی کنم که امیرالمومنین به او لقب سامری امت را داد. داشت پای منبر امیرالمومنین سخنرانی حضرت را می نوشت بدیخت حضرت به او فرمود حسن بصری چه می کنی؟ گفت آقا دارم سخنرانی شما را می نویسم برای آیندگان بازگو کنم حضرت هم نه گذاشت و نه برداشت فرمود: هر امتی سامری دارد و این آقا سامری امت پیغمبر هست. بعد فرمود این سامری امت پیغمبر نشانه دارد. شعارش این است که می گوید لا قتال جنگ نه جنگ نه «
عَنْ يَحْيَى الْوَأَسْطِيِّ قَالَ: لَمَّا افْتَتَحَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَيْهِ وَ فِيهِمْ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ وَ مَعَهُ الْأَوْاحُ فَكَانَ كُلَّمَا لَفَظَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ بِكَلِمَةٍ كَتَبَهَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ بِأَعْلَى صَوْتِهِ مَا تَصْنَعُ؟ فَقَالَ نَكْتُبُ أَثَارَكُمْ لِنُحَدِّثَ بِهَا بَعْدَكُمْ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ أَمَا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِيٌّ وَ هَذَا سَامِرِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَمَا إِنَّهُ لَا يَقُولُ لَا مَسَاسَ وَ لَكِنْ يَقُولُ لَا قِتَالَ» (الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷۲).
- جریان سامری امت پیغمبر امروز هم ادامه دارد، جریانی که می خواهد جهاد و مبارزه را از دین حذف کند و می گوید دوران این مسائل گذشته است. همه مشکلات را با گفتگو می شود حل کرد. آیا می شود بدون مبارزه با دشمن، مشکلات ما حل شود؟ بعضی ها می گویند برویم با آمریکا مذاکره کنیم مشکلات حل می شود. مگر ما مذاکره با آمریکا نکردیم؟ چقدر امتیاز دادیم؛ چقدر امتیاز نگرفتیم؟ آمار رسمی خسارات و بدبختی های مذاکره با آمریکا هست؛ بروید مراجعه کنید؟

- آن زمان می گفتند که ما مشکلات سوریه را می توانیم با گفتگو حل کنیم. آیا گفتمان گفتگو سوریه را نجات داد یا گفتمان مقاومت مقابل دشمن؟! اهل قعود، ترس خود را تئوریز می کنند. با ادبیات عقلانیت و منافع ملی. در حالی که هیچ ملتی نتوانست منافع خودش را حفظ کند جز با مقاومت.

نقطه مقابل قیام

- خدا رسماً خط کشی می کند بین قاعدین و قیام کنندگان را. می فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی، و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و] در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان هایشان جهاد می کنند به مقام و مرتبه ای بزرگ بر خانه نشینان برتری بخشیده است. و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه نشینان [بی عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است» (نساء، ۹۵).

- مسئولی که اهل قیام نباشد. دنبال قعود در مقابل دشمن باشد. اهل قیام نباشد تا مشکلات اقتصادی کشور را حل کند. او نمی تواند با امام قیام کننده همراهی کند. و خدا می داند اهل قعود، چقدر ظهور را تاخیر انداختند.

طراحی خدا برای شهر قم

- تا اینجا چه گفتیم؟ قم قرار هست محور قیام در آخرالزمان باشد. حول آن امام قیام کننده.

نقش محوری حضرت معصومه س در طراحی خدا برای قم

- اما اینجا و در این شهر ما یک محور می خواهیم یک شخصیت محوری که به واسطه او دل های شیعیان یک دله شود و لشکر صاحب الزمان شکل و شمایل بگیرد.
- چه کسی از همه نورانی ترست؟ او محور این ماجرای بزرگ آخرالزمان هست؟ این شان حضرت معصومه س هست. شان شکل گیری محور قیام آخرالزمانی برای صاحب الزمان حول حرم این بانو. لذا در زیارت نامه حضرت معصومه س چنین می خوانیم: «أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَ الْفَرَجَ» (زیارت نامه حضرت معصومه س). از خدا د رحرم این بانو چه می خواهیم؟ سرور و فرج را.
- تازه شما این کلام امام صادق ع را می فهمی که قبل از ولادت امام کاظم ع این طراحی را بیان فرمودند. اول حرم ها را ترسیم کردند. فرمودند خدا حرمی دارد و آن مکه است و پیامبر حرمی دارد و آن مدینه هست و امیرالمومنین حرمی دارد و آن کوفه هست و برای همه ما اهل بیت حرمی هست و آن قم هست. دقت کنید حضرت نمی فرماید در آنجا که حرم ما هست؛ یکی از ما اهل بیت یعنی معصومین دفن شده ایم. بلکه می فرماید آنجا دختری از دختران من به نام فاطمه دفن شده است. در واقع حضرت می خواهد بفرماید محور حرما ما اهل بیت حرم آن بانو یعنی حضرت معصومه س هست. «عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ الرِّىُّ أَنَّهُمْ دَخَلُوا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَقَالَ مَرْحَبًا بِإِخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمْ فَقَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَأَعَادَ الْكَلَامَ قَالُوا ذَلِكَ مِرَارًا وَ أَجَابَهُمْ بِمِثْلِ مَا أَجَابَ بِهِ أَوْلَا فَقَالَ إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ وَ إِنَّ لِلْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلْدَةُ قُمْ وَ سَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تَسْمَى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ قَالَ الرَّأْوِيُّ وَ كَانَ هَذَا الْكَلَامُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۸)

- ما در قم تقریباً ۴۵۰ امامزاده داریم که بعضی از این امامزادگان از فقهاء هستند. در عظمت و بزرگی چیزی کم و کسر ندارند. عالمان مجاهد، عالمان شهید.
- ولی در بین این ستارگان، خورشید با عظمت وجود مقدس حضرت معصومه س آنقدر درخشندگی و تلالو دارد که با وجود این بزرگان، چهار امام، شیعیان رو به سوی مزار حضرت معصومه س راهنمایی کردند این خیلی معنادار هست. مگر ما چند امام زاده داریم که امام معصوم، زیارت نامه مخصوص، انشاء فرموده باشند. ما در معرض چنین نور با عظمتی قرار داریم.
- حضرت معصومه س در بین امامزادگان، امتیازاتی دارند که اصلاً قابل قیاس با بقیه امامزادگان نیست؛ ساده انگاری و سطحی نگری است اگر کسی فکر کند حضرت معصومه س یکی مثل بقیه امام زادگان هستند. نه اصلاً این طور نیست. شان حضرت معصومه س خیلی بالاتر از این حرف هاست. مگر در زیارت نامه ایشان نمی خونیم شما در پیش خدا شانی داری. امشب می خوابم کمی بیشتر با شان حضرت معصومه س آشنا باشیم باید شان رو شناخت و پاسداشت. حضرت معصومه س یکی مثل بقیه امام زادگان نیستند.
- چرا ائمه هدی با وجود این همه بزرگان باید ایشان را محور توجهات قرار بدهند؟ مگر حضرت معصومه چقدر بزرگند که بزرگان دیگه در سایه ایشان قرار می گیرند؟ آیا نمی توانستند، ما را به بزرگان دیگر ای راهنمایی کنند؛ چرا اهل بیت ع روی زیارت حضرت معصومه س دست گذاشتند؟
- با وجود بیش از چهار صد امام زاده، به ما فرمودند با صدای بلند هم به ما فرمودند بروید به زیارت حضرت معصومه س؛ این همه تاکید چه معنایی داره؟
- مگر نور وجود حضرت معصومه س چقدر تلالو داره که بر نور بقیه امام زادگان سایه انداخته و محوریت پیدا کرده به هدایت چهار امام معصوم س؟

چرا خدا به حضرت معصومه س اینهمه خیرات و برکات عنایت کرده است؟

- حالا چرا حضرت معصومه س محور قیام آخر الزمان در شهر قم انتخاب شده است؟ نمی دانم ولی شاید یه جهتش این است که حرکت او از مدینه تا طوس به انگیزه سیاسی بوده است. وگرنه انگیزه فردی این همه امتیازات به همراه ندارد. آن انگیزه سیاسی حضرت معصومه س که موجب شد حرمش در شهر محوری قیام آخرالزمانی قرار بگیرد، انگیزه نصرت امام بود. مثل حضرت زهرا س که به انگیزه نصرت امام آمدند پشت در.
- اگر معیار این هست که «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳) ، هر کی باتقوا تر بالاتر. و بالاترین تقوا تقوای قلب هست و تقوای قلب تعظیم شعائر الهی است و چه شعائری بالاتر از امام که تعظیم شود نصرت امام. «مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج، ۳۳)؛
- بله امام زادگان دیگه هم شهید شدند ولی چه نیتی پشت سر این انگیزه حضرت معصومه بود یعنی خدا انگیزه نصرت امام خدا یه جور دیگری از حضرت قبول کرد.

شباهت حضرت معصومه ص با حضرت زهرا س

- اگر مادرش پشت در آمد برای نصرت امام او هم تا طوس ره سپار شد برای نصرت امام. بی خودی نیست اما آن عارف بالله وقتی شعر می گویند که برخاسته از شعور امام هست حضرت معصومه س رو به حضرت زهرا س تشبیه می کنند. می فرمایند: «لم یلدم بسته لب و گرنه بگفتم، دخت خدایند این دو نور مطهر» اینها منطقیست هست خوابی هم که پدر آیه الله مرعشی نجفی دید هم موید این مطلب هست که وقتی پدر ایشان اصرار می کرد که برای یافتن قبر مخفی مادر، به او فرمودند بودند هر آنچه که قرار هست به تو از ناحیه قبر مادر عنایت بشود همه اش در زیارت حضرت معصومه س قرار داده شده بعضی ها این حرف را جدی نگرفتند.

حضرت معصومه س را دست کم گرفتند خب خودشان را محروم کردند آنهایی که می فهمیدند هر روز به زیارت این بانو می آمدند.

فرق قیام های زمان حضرت معصومه س با قیام حضرت معصومه س

- انگیزه حضرت معصومه س، نصرت امام بود. خدا حرم این بانو را محور شهری قرار داد که اهلش قرار هست قیام کنند مقاومت کنند و امامشان را نصرت دهند. در زمان حضرت معصومه س، قیام‌های زیادی از سوی برخی سادات برای دفاع از اهل بیت(ع) صورت می‌گرفت ولی بیشتر آن قیام ها دعوت به سوی خود بود، حضرت معصومه(س) با این سفر بر ولایت‌مداری تاکید کردند و خواستند نشان بدهند که مسیر درست؛ مسیری است که امام رضا(ع) در برابر جریان ظالم طی می کند.^۵ حضرت معصومه س اهل قیام بود. قیام برای نصرت امام در راستای مبارزه با ظلم.

- دشمن از حرکت حضرت معصومه احساس خطر کرد. مسیرهایی که حضرت معصومه - سلام الله علیها - جهت سفر انتخاب کردند اون مسیرهایی بود که امام رضا - علیه السلام - از اونها ممنوع شده بودند. در نهایت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - به قم که مرکز تجمع مخالفان دولت عباسی آمدند. حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - با دقت و زیرکی خاص(سیاسی) از این مسیرهایی ممنوع شده سفر کردند.^۶

^۵ <http://yon.ir/cDCN> حجت الاسلام محسن طیبی.

^۶ <http://yon.ir/> ۹۸

- خاندان او در مسیر، به شهادت رساند. بعدش حضرت سراغ از قم که شهری انقلابی هست گرفت. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بر اثر مسمومیت و شدت غم و اندوه در شهر ساوه بیمار گردید و فرمود: مرا به شهر قم ببرید؛ زیرا از پدرم شنیدم که می فرمود: شهر قم مرکز شیعیان ماست.
- دشمن نگذاشت دست این بانو، به دست امامش برسد. اما خدا ورق رو برگرداند؛ او شد محور شهر انقلابی به نام قم که از دامن او سید روح الله پرورش یافت که انقلاب او، کلید فرج رو زد. کسانی که قرار هست امامشون رو نصرت بدهند دور مزاری جمع شده اند که او آمده به انگیزه نصرت امامش. مثل زهرای مرضیه س
- عشق است این انگیزه سیاسی حضرت معصومه س که او را شبیه مادرش حضرت زهرا س کرده است. چقدر ایشون رو پرواز می ده. خیلی بیشتر از دیگران.
- به حق، پدرش حضرت موسی بن جعفر ع خطاب به دخترش حضرت معصومه س فرمود: «فداها ابوها»^۷ پدرش فدای این دختر! مثل رسول الله که بارها به دخترش فرمود: «فداها ابوها»^۸.

^۷ آیت الله سید نصر الله مستنبط از کتاب «کشف اللالی» نقل فرموده که روزی عده‌ای از شیعیان وارد مدینه شدند و پرسشهایی داشتند که می‌خواستند از محضر امام کاظم (ع) پرسند. امام (ع) در سفر بودند، پرسشهای خود را نوشته به دودمان امامت تقدیم نمودند، چون عزم سفر کردند برای پاسخ پرسشهای خود به منزل امام (ع) شرفیاب شدند، امام کاظم (ع) مراجعت نفرموده بود و آنها امکان توقف نداشتند، از این رو حضرت معصومه (س) پاسخ آن پرسشها را نوشتند و به آنها تسلیم نمودند، آنها با مسرت فراوان از مدینه منوره خارج شدند، در بیرون مدینه با امام کاظم (ع) مصادف شدند و داستان خود را برای آن حضرت شرح دادند. هنگامی که امام (ع) پرسشهای آنان و پاسخهای حضرت معصومه (س) را ملاحظه کردند، سه بار فرمودند: «فداها ابوها» «پدرش به قربانش باد.» «باتوجه به این که حضرت معصومه (س) به هنگام دستگیری پدر بزرگوارش خردسال بود، این داستان از مقام بسیار والا و دانش بسیار گسترده آن حضرت حکایت می‌کند.

^۸ امالی صدوق، ص ۲۳۴ «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ بِفَاطِمَةَ عَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَأَطَالَ عِنْدَهَا الْمَكْثَ فَخَرَجَ مَرَّةً فِي سَفَرٍ فَصَنَعَتْ فَاطِمَةُ عَ مَسْكِينَ مِنْ وَرَقٍ وَ قِلَادَةً وَ قُرْطَيْنِ وَ سَتْرًا لِأَبِ الْبَيْتِ لِقُدُومِ

- امشب به تعجب و انگشت به دهان تا آخر در شان حضرت معصوم مات و مبهوت ماندیم. عیبی نداره! شانی شبیه شان حضرت زهرا در قیام و نصرت امام. اهل قیام بودن؛ مهم ترین ویژگی حضرت معصومه س هست. اقدام برای نصرت امام.
- در واقع امام رضا ع وقتی نامه نوشتند^۹ و حضرت را دعوت کردند برای حرکت و اقدام؛ یعنی شیعیان اگر می خواهید امامتان یعنی امام رضا را از غربت در بیاورید باید مثل خواهرم معصومه اهل قیام باشیم. هجرت کنید. جهاد کنید. این الگوی بی نظیر قیام برای نصرت امام را خدا تا قیامت پیش روی ما گذاشته که هر کسی اهل قیام هست به او تاسی کند به اقدام او اقتدا کند برای رفع غربت از امام زمانش.

أَيُّهَا وَ زَوْجَهَا عَ فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَيْهَا فَوَقَفَ أَصْحَابُهُ عَلَى الْبَابِ لَا يَدْرُونَ أَوْ يَقِفُونَ أَوْ يَنْصَرِفُونَ لَطُولِ مَكْنَتِهِ عِنْدَهَا فَخَرَجَ عَلَيْهِمُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَدْ عَرَفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ الْمِنْبَرِ فَظَنَّتْ فَاطِمَةُ ع أَنَّهُ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِمَا رَأَى مِنَ الْمَسْكِينِ وَ الْقَلَادَةِ وَ الْقُرْطَيْنِ وَ السِّتْرِ فَنَزَعَتْ قَلَادَتَهَا وَ قُرْطَيْهَا وَ مَسْكِنَيْهَا وَ نَزَعَتْ السِّتْرَ فَبَعَثَتْ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَالَتْ لِلرَّسُولِ قُلْ لَهُ ص تَقْرَأُ عَلَيْكَ ابْنَتُكَ السَّلَامَ وَ تَقُولُ اجْعَلْ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَمَّا آتَاهُ وَ خَبِرَهُ قَالَ ص فَعَلْتُ فِدَاهَا أَبُوهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَيْسَتْ الدُّنْيَا مِنْ مُحَمَّدٍ وَ لَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى مِنْهَا كَافِرًا شَرْبَةَ مَاءٍ ثُمَّ»

^۹ « نقل شده است که امام رضا علیه السلام از مرو نامه ای خطاب به حضرت معصومه علیها السلام نوشت و به دست یکی از غلامان مورد اعتماد خود داد تا آن را به دست حضرت معصومه علیها السلام در مدینه برساند. حضرت پس از دریافت نامه، آماده سفر شد.» (علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت علیهم السلام، قم، حاذق، ۱۳۷۴، ص ۴۹۳، به نقل از: داخل السید حسن، من لایحضره الخلیف، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ص